شکل‌های زندگی: اسکار وایلد، سطحی‌نگری تمام

داستان یک تصویر

نادر شهریوری (صدقی)

دوریان گری تصویر جوان زیبا و اشراف‌منشی است که با «سطحی‌نگری» تمام سبکی از زندگی ارائه می‌دهد که در آن «زیبایی» فراسوی نیک و بد قرار می‌گیرد. این رمان نه فقط رمانی ادبی بلکه داستانی فلسفی است که در آن سه مقوله مهم «زیبایی»، «اخلاق» و «زمان» در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر قرار می‌گیرند.

ماجرای «تصویر دوریان گری» اثر اسکار وایلد (۱۹۰۰-۱۸۵۴)، بـه تابلویی بازمی‌گردد که بازیل هالوارد از چهره دوریان گری می‌کشد تا او را که در اوج جوانی و زیبایی است به تصویری ماندگار بدل کند. نقاش کار خود را با دقت و حوصله انجام می‌دهد؛ حاصل تلاشش به قدری زیبا از کار درمی‌آید که دوریان‌گری با دیدن آن شوک می‌شود. گویی برای نخستین بار تصویر خود را می‌بیند. دوستی دوریان گری با نقاش باعث آشنایی دوریان با لرد هنری ووتن می‌شود. لرد هنری که مردی سخنور، نکته‌سنج با نظریاتی لذت‌طلبانه است، دوریان گری را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد اما این تنها دوریان نیست که تحت تأثیر قرار می‌گیرد. لرد هنری نیز به همان اندازه متأثر از زیبایی و آداب‌دانی دوریان گری می‌شود. لرد هنری با ایده‌هایی که آن را به زیبایی ارائه می‌دهد، دوریان گری را به لذت‌جویی و بهره‌بردن از زندگی ترغیب می‌کند. به نظر لرد هنری لذت تنها چیزی است که می‌شود برایش نظریه داشت زیرا می‌توان آن را به صورت امری ملموس تجربه کرد. «لذت تنها چیزی است ...

یک کتاب، دو نویسنده: حکایتِ هیجدهم اردیبهشت بیست‌وپنج علیمراد فدایی‌نیا، به روایت احمد غلامی و احمد آرام

کیفرخواست علیه خود

بی‌تردید درباره نویسندگی علیمراد فدایی‌نیا صرفا نمی‌توان با رمان «حکایتِ هیجدهم اردیبهشت بیست‌وپنج» به قضاوت نشست. چراکه آثار این نویسنده ملهم از شعر است و شعر بیش از هر چیز با کشف و شهود سروکار دارد و از این‌روست که گاه این کشف و شهود به ثمر می‌نشیند و گاه نه. این داستان بلند (رمان) نیز از این قاعده پیروی می‌کند و بیش از آنکه متکی به نقدهای تئوریک باشد، پسندِ خواننده در اقبال از آن مؤثر است. باید گفت آنچه از ارزش این رمان پیش چشم خوانندگان می‌کاهد یا به آن می‌افزاید، عنصر لذت است. لذتی از جنس خواندن یک شعر که کمتر پیش می‌آید خوانندگان در آن به اجماع دست یابند. باری، من و احمد آرام با دو رویکرد متفاوت به این اثر نزدیک شده‌ایم. احمد آرام باور دارد این داستان بلند به دل می‌نشیند و من نظرم خلاف اوست. البته سعی کردیم از پسند خود به شیوه‌های تئوریک دفاع کنیم و قدمی فراتر از علایق رایج برداریم. نمی‌دانم تا چه حد موفق بوده‌ایم. در نهایت این خواننده است که باید قضاوت کند.

احمد غلامی: برای بحث درباره برخی کتاب‌ها ناگزیریم فضای کلی از کتاب به خواننده بدهیم تا خواننده بتواند خط‌وربط بحث‌های ما را پیدا کند و به قضاوت بنشیند که ما تا چه میزان با ارائه همین فضای کلی توانسته‌ایم حق اثر را ادا کنیم. در ضمن ارائه یک فضای کلی از کار، به ذهن ما انضباط می‌دهد تا در بحث‌های خود قیقاج نرویم. «حکایت هیجدهم اردیبهشت بیست‌وپنج» علیمراد فدایی‌نیا ...

آن‌ها مستولی گردید، شاید بهتر است بگویم از قشر آنارشیسم فردگرا در ادبیات و هنر. مجبورم در اینجا به بنیامین تاکر، آنارشیست فردگرای معروف قرن نوزدهمی اشاره کنم که باور داشت: «اگر فرد حق فرمانروایی خویش داشته باشد، هرگونه فرمانروایی بیرونی استبداد است». ما نمی‌خواهیم مستقیما وارد این مقوله فلسفی سیاسی بشویم، بلکه مراد ما از اشاره به این موضوع پرداختن به دورانی است که عده‌ای روشنفکر و هنرمند یک‌جور «آشوب‌طلبی» را وارد آثار خود کردند تا به‌اصطلاح نافرمانی مدنی را جزو خط مشی هنری یا ادبی خود قرار دهند و توانایی‌شان را به رخ بکشند. علیمراد فدایی‌نیا، که نویسنده‌ای تجربی و فرم‌گرا بود، شکل «نافرمانی» خود را در قلمرو تاختن به ادبیات فسیل‌شده‌ای که مدام خود را تکرار می‌کرد، نشان داد. درواقع یک شورش خاموش که دوران سکوت خود را معنا می‌کرد. این ادبیات که با زبان ساخته و پرداخته می‌شد و با فرمالیسم ادبی به معناپذیری می‌رسید، حاصل همان روحیه آشوب‌طلبی بود. به همین دلیل ما با یک راوی روان‌پریش روبه‌روییم که برآمده از یک جامعه خاص است. ...

داستان می‌دمد. فدایی‌نیا نشان می‌دهد اگر بخواهد داستانی با سبک و سیاق رئالیستی بنویسد در این زمینه نویسنده‌ای چیره‌دست است، اما او دغدغه دیگری دارد. تلاش او در رمان «حکایتِ هیجدهم اردیبهشت بیست‌وپنج» نگارش رمانی آوانگارد است. آوانگارد، نسبت به دوره و زمانه خودش، ...

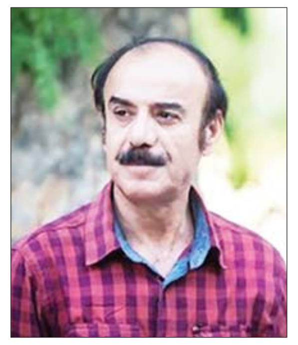

حکایت هیجدهم اردیبهشت بیست‌وپنج
علیمراد فدایی‌نیا
نشر آوانوشت

از آشویتس تا ژان‌دارک

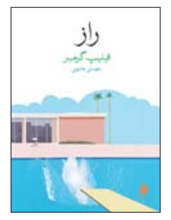

راز
فیلیپ گرمبر
مهستی بحرینی
نشر ماهی

شرق: «من یگانه پسر خانواده‌ای بودم که جز من فرزندی نداشت، اما تا مدت‌ها برادری هم داشتم. در سفرهایی که مدرسه برای گذراندن تعطیلات ترتیب می‌داد، این قصه را به آشنایان تازه یا دوستان موقتم می‌گفتم و آنها هم ناگزیر حرفم را باور می‌کردند». رمان «راز» نوشته فیلیپ گرمبر این‌طور آغاز می‌شود. ماجرا اما فراتر از یک آرزو یا خواستِ نوجوانی به داشتن یک برادر بزرگ‌تر است. راویِ «راز» در طول داستان درمی‌یابد که به واقع برادری داشته که از وجودش بی‌خبر بوده است و جالب آنکه این سرنوشتِ خود فیلیپ گرمبر بوده که به رمانی پرفروش بدل شده است. فیلیپ، ۱۵ساله بوده که متوجه می‌شود برادری دارد و چون پدرش گمان می‌کرده پسرش در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها اسیر شده است، این موضوع را به‌عنوان یک راز مخفی کرده است، ازاین‌رو است که فیلیپ گرمبر درباره رمانش می‌گوید: ترسم این است که مخاطبان راز فکر کنند این کتاب، نقد دیگری درباره هولوکاست است؛ چیزی که ما به اندازه کافی به آن پرداخته‌ایم. امیدم این است که از داستان من، چیزی بیش از یک خاطره‌گویی درمورد هولوکاست برداشت شود ...

در ستایش ژان‌دارک
کریستین دو بیزان
ترجمه علیرضا اسماعیل‌پور